

تصمیمات اوکابها

رای دیوان کشور بر نقض

در موردیکه تغییر اعداد و ارقام دفتر جمل شناخته نشود

ماده ۹۷ و ۱۰۲ و ۱۰۵ قانون مجازات عمومی

محکوم علیه از اتهام جمل دائر باینکه تغییر دادن ارقام و اعداد در دفاتر و ته چکها ولو آنکه بقصد محو کردن آثار گناه اختلاس باشد مشمول عنوان جمل و قابل مجازات بوده وارد بنظر میرسد و استدلال دادگاه باینکه ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی شامل تغییر دادن ارقام و اعداد نیست و بر فرض آنکه باشد در مواد مجازاتی برای آن مجازاتی تعیین نشده و بر فرض آنکه شده باشد در موردی که منظور مرتکب فقط محو کردن آثار گناه دیگر باشد نباید مجازات مستقلی برای آن تعیین شود برخلاف ظاهر ماده مزبوره و سایر مواد مربوط بجمل و تزویر و ماده ۲ الحاقی باصوّل محاکمات جزائی است بنا بر این حکم مورد درخواست در قسمت محکومیت های متهم بی اشکال است و ابرام میشود و در قسمت تبرئه او از ارتکاب جعل با استناد بماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی با فاق آراء نقض و رسیدگی در قسمت منقوض بشعبه دیگر دیوانجزا ارجاع میشود)

کسی باتهام اختلاس چندین فقره بول از صندوق ثبت اسناد و تغییر ارقام و اعداد دفتر مورد تعقیب واقع و دیوانجزا در قسمت اختلاس او را طبق مقررات محکوم و در قسمت جعل بلحاظ اینکه عمل عنواناً مشمول ماده ۱۰۲ و ۱۰۵ استنادی نبوده و ماده ۹۷ نیز صراحتی در ارقام و اعداد ندارد و بر فرض اینکه استنباط تحقق جعل هم از مفهوم ماده مذکوره در این قبیل موارد بشود چون ماده مجازات در این باب ساق است و احراز این که متهم در ارتکاب این عمل منظوری جز محو آثار جرم نداشته عمل مزبور را جرم جداگانه تلقی نکرده و متهم را از آنها بجعل تبرئه کرده است - بر اثر درخواست تمیزی مدعی العموم دیوان جزا - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۸۳۶ بقراریخ ۱۹/۸/۱۷ چنین رای داده است :

[اعراض مدعی العموم دیوان جزا در قسمت تبرئه

رای دیوان کشور بر صلاحیت دادرسی ارتش

در مورد یکی از قاچاق چیان مسلح که تنها دستگیر شده باشد

تبصره ماده سوم قانون قاچاق چیان مسلح مصوب ۱۳۱۵

عمومی دانسته - و بازرس دادگستری بعنوان آنکه مطابق تبصره ماده ۳ قانون مجازات قاچاق چیان مسلح در صورتی که دادرسی متهم اصلی در دیوانجزا ممکن نشود دادرسی شرکاء در دادگاه عمومی بعمل خواهد آمد و در این مورد

کسی باتهام شرکت باسلحه در قاچاق مورد تعقیب واقع و از طرف دیوانجزا بعلت آنکه مدلل نشده که متهم در موقعی که با دیگران بوده اسلحه داشته و سایرین هم دستگیر نشده اند رسیدگی باتهام را از صلاحیت دادگاههای

شدن مجرمهای اصلی با امکان تعقیب آنها قضیه را مشمول تبصره ماده ۳ قانون استنادی نمی‌نماید و بنابراین صلاحیت دیوانحرب تصدیق می‌شود)

غیر ممکن بودن تعقیب و دادرسی سایرین معلوم نشده - رسیدگی را در صلاحیت دیوانحرب دانسته است - بر اثر بروز اختلاف - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۲۱۴۶ بتاريخ ۲۸/۹/۱۷ رأی داده است که: متواری

رای دیوان کشور بر عودت پرونده

در مورد بکه متهم در ذیل حکم محکومیت خود اعتراض کنند

۳۰/۹/۱۷ رأی داده است که: نوشتن این عبارت (از این حکم اعتراض دارم) دادخواست تمیزی بشمار نمی‌رود و باتفاق آراء دستور عودت پرونده صادر می‌شود.

کسی بانها هم کلاه برداری در دادگاه استیناف محکوم شده و در ذیل حکم نوشته است (از این حکم اعتراض دارم) دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۲۱۳۸ بتاريخ

رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد مجازات حداکثر که با رعایت تخفیف بیشتر از یک ربع تخفیف داده شده

ماده ۱۶۲ و ۱۶۵ و ۴۵ مکرر قانون مجازات

تخفیف دهد و تعیین دو ماه حبس تأدیبی در باره متهم مخالف قانون محسوب است) و بنظر هیئت شعبه نیز اعتراض مزبور وارد است چه در ماده ۱۶۵ برای مرتکب گناههای ذکر شده در آن ماده حداکثر مجازاتی که برای توهین بمأمورین دولتی قانوناً مقرر است معین شده که طبق ماده ۱۶۲ حداکثر مجازات توهین یکسال حبس تأدیبی است و بالتبع مجازات کسانی که عملشان مشمول ماده ۱۶۵ میباشد مقطوعاً (بدون داشتن حد اقل و اکثر) یکسال حبس تأدیبی میشود و در صورت احراز موجبات تخفیف دادگاه باید طبق قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر قانون نامبرده فقط معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل تخفیف دهد لذا حکم دادگاه مبنی بر محکومیت متهم بدر ماه حبس تأدیبی از این حیث مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض می‌شود....

کسی بانها هم توهین بمأمور دولت و ایراد ضرب باستناد ماده ۱۶۵ و ۱۶۲ قانون مجازات مورد تعقیب واقع و در مرحله استینافی با رعایت تخفیف باستناد ماده ۴۵ مکرر بدو ماه حبس تأدیبی محکوم میشود - محکوم علیه و مدعی العموم تمیز خواسته - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۹۵۲ بتاريخ ۲۶/۸/۱۷ چنین رأی داده است:

« نظر باینکه نماینده یار که دیوان کشور در ضمن اظهار عقیده نسبت بحکم استینافی تبعاً تقاضای تمیز نموده و خلاصه بدین نحو اعتراض شده است (مجازات مقرر در ماده ۱۶۵ قانون مجازات عمومی که حداکثر مجازات معین شده در ماده ۱۶۲ آن قانون است یکسال حبس تأدیبی میشود و چون این مجازات بدون حد اقل و اکثر است در مقام تخفیف مشمول قسمت اخیر ماده ۴۵ مکرر قانون نامبرده خواهد بود در این مورد دادگاه نمیتوانسته مجازات متهم را بکمتر از یک ربع از میزان مجازات اصلی

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه با وجود تصرف خریداران در ملک بیع شرطی دادگاه فروشنده را بخسارت تأخیر تأدیه محکوم کرده

ماده ۳۲ قانون ثبت اسناد

کسی با استناد سند بیع شرطی که مبیع در تصرف خریدار بوده اقامه دعوی و خلع ید از ملک منصرفی را در خواست نموده - دادگاه بدوی پس از رسیدگی حکم بخلع ملک و تسلیم بمدعی و پرداخت اصل ثمن و خسارت تأخیر تأدیه بمدعی علیه صادر کرده و در دادگاه استیناف تأیید شده - شعبه (۱) دیوان کشور در حکم شماره ۱۸۲۰ بتاريخ ۱۸/۸/۱۷ چنین رأی داده است .
 « نظر باینکه مفاد ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک راجع بخسارت تأخیر تأدیه ناظر است بموقعی که ملک مورد معامله در دست انتقال دهنده باشد و ذکر

اجرة التسمی در ماده مزبور قرینه روشنی است بر این معنی و سیاق عبارت منصرف از مواردی است که عین مبیعه در تصرف مشتری باشد چه نوعاً عمل متعاملین بر این بوده که منافع عین ملک در قبال فرع اصل وجه محسوب میشده بملایه حکم بر تأدیه خسارت تأخیر تأدیه بر فرض ثبوت قبل از محاسبه اجور و موازنه آن چنانکه وکیل مستدعیه تمیز ایراد کرده بدمورد بوده است بنا بر این حکم مورد استدعای تمیز مخدوش و مطابق ماده ۳۴۰ قانون آزمایش نقض میشود »

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه دادگاه بدایت در موضوع دادخواست متهم بقاچاق از لحاظ اینکه متهم تحت تعقیب جنائی

بوده قرار عدم صلاحیت داده

ماده ۸ قانون قاچاق و ماده ۱۹۷ اصول محاکمات جزائی

کسی برای مطالبه پول جریمه که با اتهام قاچاق از او گرفته بوده اند با استناد ماده (۸) قانون قاچاق بدادگاه بدایت متظلم شده و دادگاه مزبور بعنوان اینکه متهم مدعی بر حسب اظهار نماینده پارک تحت تعقیب جنائی است با استناد ماده ۱۹۷ قرار عدم صلاحیت خود را صادر کرده و قرار مزبور در مرحله استینافی تأیید شده - بر اثر درخواست تمیز از طرف متهم - دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۱۸۶۴ بتاريخ ۱۶/۸/۱۷ چنین رأی داده است :
 « اعتراض مستدعی تمیز بر حکم دادگاه استیناف مبنی بر تأیید قرار دادگاه جنحه بر عدم صلاحیت دادگاه اخیر الذکر خلاصه باینکه مراجعه بدادگاه برای برائت در

امور قاچاق بکنوع مطالبه حقوقی است و اصل مقرر در ماده ۱۹۷ قانون اصول محاکمات جزائی شامل آن نخواهد بود وارد و موجه بنظر میرسد زیرا بر حسب مستفاد از ماده ۸ قانون مرتکبین قاچاق و تصریح تبصره ذیل آن باینکه شاکی تا حکم استینافی در باره او صادر نشده بر توقیف خواهد ماند - مرجع رسیدگی باقی قبیل دعاری که بمنظور رد جریمه اقامه میشود همان دادگاه جنحه میباشد و مقررات ماده ۱۹۷ قانون اصول محاکمات ناظر و شامل مورد نیست بنا بر مراتب فوق حکم مورد استدعای تمیز مخالف با قانون بوده و طبق ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود »

رأی دیوان کشور بر ابرام

راجع بقبول استیناف از قرار اناطه در مورد ثبت ملک غیر

ماده ۱۰۹ قانون ثبت و ماده ۱۷ قانون اصول محاکمات جزائی

« اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم استینافی دائر بفسخ قرار باز پرس آکه (طبق ماده ۱۷۱ قانون اصول محاکمات جزائی آن قسمت از قرارهای باز پرس قابل استیناف است که حق مدعی خصوصی را تضییع یا تضییق نماید و قرار اناطه دارای این وصف نیست تا قابل استیناف باشد) در این مورد صحیح نیست زیرا بطوریکه در حکم استیناف مذکور است موضوع شکایت شاکی خصوصی و گناه مورد اتهام این بوده که متهم نسبت بملک متصرفی شاکی تقاضای ثبت کرده و سند مالکیت رسمی باسم خود صادر کرده و در چنین مورد که طبق مقررات قانون ثبت طرح دعوی در دادگاه حقوق و استرداد ملک برای مدعی خصوصی ممکن نیست و صاحب حق فقط از راه تعقیب جزائی میتواند جبران خسارت خود را بخواهد قرار اناطه امر جزائی به ثبوت حق مالکیت مدعی خصوصی در دادگاه حقوق موجب تضییق و تضییع حقوق مدعی خصوصی است و طبق ماده فوق الذکر شکایت استینافی نسبت بآن خواهد داشت و لذا قبول دادخواست استینافی در این مورد اشکال قانونی نداشته و باتفاق آراء ابرام میشود »

کسی بانتهام ثبت ملک دیگری بنام خود بر حسب شکایت مدعی خصوصی مورد تعقیب واقع و باز پرس بلحاظ آنکه دو طرف مدعی مالکیت و تصرف هستند با استناد ماده ۱۷ قرار اناطه صادر کرده و بر اثر شکایت استینافی مدعی خصوصی دادگاه استیناف رسیدگی کرده و چنین رأی داده است:

« چون شکایت شاکی این است ملکی که در تصرف او بوده و مال مشارالیه بوده و متهم تقاضای ثبت آنرا نموده و ورقه مالکیت صادر کرده است و چون اظهار مزبور بموردی که در ماده ۱۰۹ قانون ثبت اسناد ذکر شده منطبق بود باز پرس مکلف بوده که راجع بتصرف یا عدم تصرف شاکی در ملک مزبور بازجوئی نموده و با در نظر گرفتن مدافعات مشتکی عنها قرار مقتضی صادر نماید و صدور قرار اناطه در این مورد صحیح نبوده لذا قرار مزبور فسخ میشود و باز پرس مکلف است قضیه را رسیدگی نموده رأی مقتضی صادر نماید » بر اثر درخواست تجدی مدعی العموم - دیوان کشور تیز شعبه (۲) در حکم شماره ۲۱۷۳ مورخ ۳۰/۹/۳۷ چنین رأی داده است:

رأی دیوان کشور بر نقض و ابرام

(۱) - در موردیکه دادگاه دادخواست خسارت از طرف متهم تبرئه شده را رد کرده

(۲) در موردیکه دادگاه مطالبه خسارت از طرف متهم تبرئه شده را منوط باثبات سوء نیت مدعی خصوصی دانسته

ماده ۲۶۳ و ۴۰۵ اصول محاکمات جزائی و ۲۶۹ قانون مجازات

اقامه دعوی کرده و در مرحله بدوی محکوم به بیحقی و در دادگاه استیناف تأیید شده دیوان کشور قسمت اول حکم دایر بمحکومیت مدعی را از لحاظ آنکه دادگاه جزا دعوی مدعی خصوصی را احاله بدادگاه حقوق کرده و حکمی

کسی بانتهام گلاهد برداری تحت تعقیب واقع و پس از قطعی شدن حلام تبرئه بعنوان مطالبه خسارت حق وکالت بابت دفاع از دعوی ضرر و زیان و از بابت دفاع از دعوی مدعی العموم از لحاظ سبب بودن مدعی خصوصی بر او

صادر نشده ابرام ولی در قسمت خسارت بابت دعوی مدعی العموم از نظر آنکه حکم تبرئه متهم صادر شده و سبب جلب متهم بداد رس و تعقیب او در دادگاه جزاهم مدعی خصوصی بوده هر چند که دادرسی تنها بطرفیت مدعی العموم جریان یافته طبق مفاد ماده ۲۶۳ و ۴۰۵ اصول محاکمات جزائی واصل کلی متهم که تبرئه شد میتواند خسارت دادرسی جزائی را از مدعی خصوصی در صورت سببیت او برای اتهام واقعه دعوی جزائی مطالبه نماید - حکم استینافی را نقض کرده است دادگاه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است: (نظر باینکه بر حسب مستفاد از ماده ۲۶۳ اصول محاکمات جزائی و ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی و اصول کلی متهمی که از جرم متناسبه تبرئه حاصل کرده است وقتی میتواند مطالبه خسارت از کسانی که او را تهمت زده اند بنماید که در مقامات و مراجع صالحه جزائی ثبت نماید آن اشخاص از روی غرض باو تهمت و افترا زده اند زیرا در غیر این صورت لازم میاید که متهم پس از تبرئه شدن از

جرم بتواند بر اعلام کنندنده جرم و شهود هم برای مطالبه خسارت مراجعه نماید و این معنی مخالف مقصود قانون گذار است و در این مورد چون مقدمه مزبور محرز نگردیده بنا به مراتب فوق الاشعار حکم مستأنف عنده بر بطلان دعوی مدعی نتیجه بدون اشکال و تایید می شود) دیوان عالی کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۸۱۸ بتاريخ ۱۵/۸/۱۷ چنین رأی داده است:

(نظر باینکه بر حسب تصریح در ماده ۲۶۳ و مستنبط از ماده ۴۰۵ اصول محاکمات جزائی که مستند نقض سابق بوده مجرد سببیت در تعقیب جزائی مادامیکه سوء نیت مسبب معلوم نشده کافی در تحقق ضمانت خسارت نیست و نظر باینکه دادگاه استیناف از لحاظ عدم اقامه دلیل برای اثبات سوء نیت رأی مورد شکایت را صادر نموده و نظر باینکه در جریان رسیدگی منقصت مهمی که موجب نقض باشد مشهود نمیباشد لذا اعتراض مستدعی غیر وارد و حکم مورد استدعاء بانفاق آراء ابرام میگردد)

رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد رد دادخواست استینافی کسی که محکوم بجنون شده

ماده ۷۰ قانون تشکیلات - ماده ۲۲۸ قانون آزمایش - ماده ۱۲۲۳ و ۱۲۲۵ قانون مدنی

« چون بر حسب ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی رأی دادگاه بدوی راجح بجنون و یا عدم رشد حکم محسوب است و مطابق ماده ۲۷۸ محاکمات اصلاحی احکام محاکم ابتدائی با استثناء احکامیکه در قانون تصریح بقابل استیناف نبودن آنها شده باشد قابل استیناف است لذا قرار رد عرض حال استینافی با استناد ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی و ماده ۷۰ قانون تشکیلات صحیح نبوده و قرار مزبور بانفاق آراء نقض میشود... »

کسی در دادگاه بدایت بطرفیت مدعی العموم محکوم بجنون شده و از حکم نامبرده استیناف داده - دادگاه استیناف با استناد ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی و ماده ۷۰ قانون تشکیلات حکم جنون را تصدیق دانسته و آن را قابل استیناف نشمرده و دادخواست را رد کرده است - بر اثر تمیز خواستن محکوم علیه - دیوان عالی کشور شعبه ۴ در حکم شماره ۲۱۳۲ بتاريخ ۲۶/۹/۱۷ چنین رأی داده است:

رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که دادگاه استیناف بعنوان آنکه معترض بدو دادخواست را بدادگاه داد در تصدیق با اداره ثبت برده حکم بدوی را فسخ و قرار سقوط دعوی اعتراض و رد دادخواست را داده
ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد

صادر کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان کشور
شعبه (۴) در حکم شماره ۲۱۳۱ بتاريخ ۲۲/۹/۱۷ چنین
رای داده است :

(چون بر فرض اینکه تاریخ تقدیم عرضحال و اقامه
دعوی در دادگاه مقدم بر اعتراض به ثبت بوده در صورتی
که هر دو در موقع تقدیم شده باشد قانوناً موجب رد عرضحال
نمیباشد بنا بر این قرار رد عرضحال صادر از دادگاه استیناف
باستناد تقدیم آن بر تاریخ اعتراض به ثبت صحیح نبوده و
قرار مزبور بموجب حق ماده ۳۴ اصول محاکمات اصلاحی
نقض میشود . . .)

کسی دادخواست اعتراض بثبت ملکي بدادگاه بدایت
تقدیم و گواهی آن دادگاه را حاکی از تقدیم دادخواست
با اداره ثبت آورده و دادگاه نامبرده پس از رسیدگی معترض
علیه را محکوم ببطالان درخواست ثبت کرده - محکوم علیه
استیناف داده - دادگاه استیناف پس از رسیدگی بعنوان
اینکه طبق مقررات قانونی باید دادخواست اعتراض بدو
با اداره ثبت تقدیم شود و چون در این مورد معترض قبلاً بدادگاه
دادخواست داده و گواهی را با اداره ثبت آورده - حکم
بدوی را فسخ و قرار سقوط اعتراض و رد دادخواست را

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد مقدم نوشتن تاریخ سند برای از میان بردن طلب کسی که دادگاه آنرا جعل شناخته
ماده ۱۰۶ و ماده ۲۳۸ قانون مجازات

قبض را عوض کرده و قبضی بمبلغ بقیه بشاکی مزبور بدهد
و پس از یازده شدن قبض سابق قبض دوم را نوشته و تاریخ
را مقدم قید مینماید و بشاکی میدهد و شاکی بدون توجه
بتاریخ آنرا ضبط میکند که با این اقدام میخواسته طلب شاکی
را بعنوان اینکه مقدم بر تاریخ تصفیه میباشد از بین ببرد که
بواسطه شکایت او و کشف قضیه موفق بانجام قصد خود نمیشود
و این عمل بهیچ عنوانی مشمول مواد قانون مجازات عمومی
در باب جعل نخواهد بود و منتها عنوانی که بآن میتوان
داد شروع بثبت بوسائل تقلبی برای از بین بردن طلب
شاکیست و عمل منتسب مشمول قسمت اخیر ماده ۲۳۸
قانون مجازات عمومی است بناء علیه حکم مورد استدعای
تمیز از حیث تطبیق با مواد جزائی قانونی نبوده و بر طبق
ماده چهارصد و سی قانون اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء
نقض میشود . . .

کسی بانهاام اینکه تاریخ سندی را که مؤخر از تاریخ
مفاصا تنظیم شده مقدم بر تاریخ مفاصا نوشته و بستان کار
متوجه تاریخ سند نشده و در موعد مطالبه بدهکار اظهار
داشته که تاریخ این سند پیش از تصفیه حساب و گرفتن
مفاصا است و اعتبار ندارد - دیوان جنائی پس از رسیدگی
و تحقیق باستناد ماده ۱۰۶ با رعایت تخفیف او را بشش ماه
حبس تأدیبی و پرداخت طلب مدعی خصوصی محکوم کرده
است - شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۲۱۲۴ بتاريخ
۱۷/۹/۲۱ چنین رأی داده است :
« آنچه بمتهم نسبت داده شده و در نظر دادگاه محرز
گردیده این است که متار الیه پس از تصفیه حساب خود با
شاکی مبلغی باو مقروض میشود که در يك تاریخ ترك دعوی
از شاکی گرفته و هم قبض بمبلغ مزبور باو میدهد بعد مجدداً
مبلغی از بابت قبض مزبور پرداخته و بنا بر این میشود که

رأی دیوان کشور برابر ام

در مورد تخفیف مجازات اعدام بحسب دائم در صورت تعدد جرم

ماده ۱۹۲ و ۴۵ مکرر قانون مجازات

علاوه بر اینکه ماده ۱۹۲ دادگاه را در مورد مجازات اعدام مکلف بدو درجه تخفیف نموده طبق ماده ۴۵ مکرر قانون نامبرده که از لحاظ تعدد گناه شامل مورد است مجازات اعدام در این مورد فقط تا يك درجه قابل تخفیف بوده و ماده مزبور عموم ماده ۱۹۲ آن قانون را در مورد تعدد جرم تخصیص داده بنابراین مجازات معین در حکم دادگاه جنائی مخالفتی با قانون ندارد.

ثانیاً - در تطبیق عمل سرقت ارتكابی متهم بکیفیتی که در نظر دادگاه محرز گردیده با ماده ۲۲۳ و بالنتیجه تعیین مجازات معین در حکم اشکالی بنظر نمیرسد زیرا آنچه بالنتیجه در نظر دادگاه ثابت و مورد حکم واقع شده این است که متهم در صدد ربودن اموال مادرش بوده و باین منظور بخانه او رفته و در ضمن منتهی بقتل او شده و باین وصف اعتراض دوم خواستار تمیز در حقیقت ایراد بنظر دادگاه صادر کننده حکم است در تشخیص کیفیت عمل ارتكابی که چنین اعتراضی اصولاً قابل رسیدگی در مرحله تمیزی نیست و چون از جهت رعایت اصول دادرسی و تشخیص تقصیر و تطبیق علمای مورد حکم با قانون و تعیین مجازات اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد حکم مورد درخواست تمیز بانفاق آراء ابرام میگردد [

کسی بانهام کشتن مادر خود و ربودن اموال او تحت تعقیب واقع دادگاه جنائی با استناد ماده ۱۷۰ و ۲۲۳ و رعایت ماده ۲ الحاقی و ۴۵ مکرر متهم را بحسب دائم از جهت کشتن و سه سال حبس با اعمال شاقه محکوم نموده - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان کشور شعبه [۵] در حکم شماره ۱۸۳۵ بتاریخ ۱۱/۸/۱۷ چنین رأی داده است:

[اعتراضهای خواستار تمیز بر حکم مورد درخواست دو امر است یکی آنکه دادگاه جنائی با احراز موجبات تخفیف مجازات با استناد ماده ۱۹۲ قانون مجازات عمومی برای ارتكاب قتل او را بحسب دائم با اعمال شاقه محکوم نموده در صورتیکه طبق همان ماده میبایست مجازات او را دو درجه تخفیف داده حبس موقت با اعمال شاقه در باره اش معین کرده باشد و از اینجهت مجازات معین در حکم برخلاف قانون بشمار میرود دیگر آنکه چون سرقت انتسابی بنا بمداول حکم پس از فوت مادر او (مجنی علیها) واقع شده و قتل انتسابی هم بمنظور سرقت نبوده تطبیق این گناه (سرقت) با ماده ۲۲۳ قانون نامبرده و تعیین سه سال حبس با اعمال شاقه برای این معنی مخالف قانون محسوب و برای عمل مزبور میبایست طبق ماده ۲۲۶ آن قانون مجازات شده باشد - اولاً